



احمد شریعتمداری

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)
پژوهشگر مرکز مطالعات آمریکا

کتاب شناسی افول

کتاب‌هایی با طعم افول آمریکا

او با استفاده از انبوهی از مثال‌های تاریخی و با تجزیه و تحلیل نوآورانه، نشان می‌دهد که چگونه ایالات متحده در پی دستیابی به قدرت سیاسی و اقتصادی، به گوشه‌ای تاریک، پس زده شده است. گریب با بررسی پیامدهای اجتناب‌ناپذیر فروپاشی این امپراتوری، تجدید نهادهای دموکراتیک را به عنوان راه سازنده پیش رو پیشنهاد می‌کند.

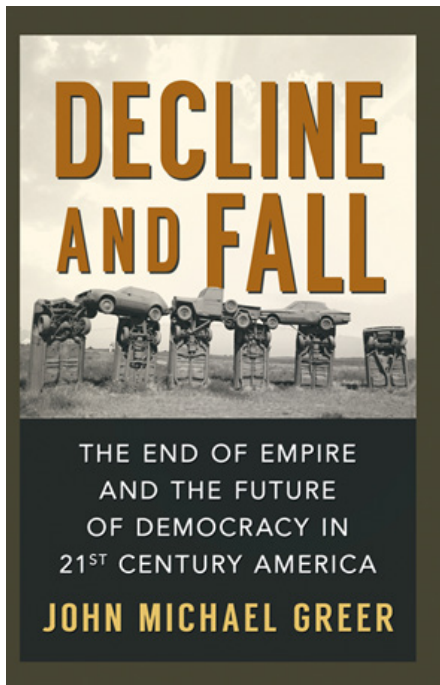
درواقع گریب با تغییر گفت‌وگوز این سؤال که آیا امپراتوری آمریکایی، باید باقی بماند به اینکه آیا اساساً می‌تواند باقی بماند، به شکل متقاعدکننده‌ای در پاسخ به سؤال اخیر، استدلال می‌کند که خیر! امپراتوری دیگر نمی‌تواند بقا داشته باشد؛ پس افول و سقوط، سهم ارزشمند و گران‌بهای در بدنه ادبیات فکری پسا صنعتی دارد. از نظر این ایده پرداز، افول و سقوط امپراتوری آمریکا، ویژگی اصلی چشم‌انداز ژئوپلیتیک امروز است و ماهیت واکنش آمریکایی‌ها

۱- ایده «افول قطعی امپراتوری آمریکای پس زده شده به گوشه‌ای تاریک» از جان مایکل گریب
جان مایکل گریب، نویسنده، داستان‌نویس، منتقد، ایده پرداز اجتماعی و محیط زیست‌گرای آمریکایی، آثار بسیار زیادی در حیطه‌های مختلف، از جمله امور معنوی و غیبی، اقتصادی و سیاسی دارد که از او منتشر شده و وبلاگ نویس در <https://www.ecosophia.net> و <http://thearchdruidreport.blogspot.com> است. او به عنوان عضو برتر و روحانی اعظم گروه و فرقه درویدی‌ها، در آمریکا شناخته می‌شود. نوشته‌ها، ایده پردازی‌ها و تأملات او به موضوعات متعددی از جمله تغییرات اقلیمی، به حداکثر رسیدن استخراج و مصرف نفت، آینده جهان صنعتی، فروپاشی تدریجی جامعه و امور اسرارآمیز و غیبی، اختصاص یافته است. جان مایکل گریب، آیین و خرد متعارف امپراتوری را به چالش می‌کشد.

به آن، بسیاری از مسیرهای آینده آنان را (با پیامدهایی که بسیار فراتر از مرزهای یک کشور است) تعیین می‌کند. نویسنده در ابتدای کتاب خود، در این زمینه می‌نویسد که «این کتاب، تلاشی است برای شروع گفت‌وگو درباره پایان امپراتوری آمریکا و آن چیزی که بعد از آن خواهد آمد» و در پایان کتاب اشاره می‌کند: «بنابراین، یکی از وظایف اصلی آمریکایی‌ها، بازآفرینی دوباره آمریکا، یافتن ایده‌های جدید در عصر صنعت زدایی اقتصاد و افول تکنولوژی یک است که این، دیگر ربطی به وابستگی و مشروط بودن به منافع و عایدی‌های امپراتوری ندارد یا با غارت و برهنه کردن اقلیم از منابع طبیعی، غیرقابل تعویض است. مشخصاً با لحاظ این نکته که استثناء‌گرایی آمریکایی (American Exceptionalism)، نمی‌تواند توجیه قابل قبولی برای بیشتر بودن چند برابری مصرف آمریکا از منابع جهانی در نسبت

با سهم جمعیتی خود باشد، آقای گریدر در پیشگفتار خود، ماهیت و ریشه‌های تاریخی امپراتوری را توضیح می‌دهد و نحوه پمپ کردن ثروت در آن ساختار را بیان می‌نماید. در واقع، قسمت اول کتاب (دوره امپراتوری)، دارای سه فصل است که آموزنده و واجد اهمیت است. این قسمت، سه فصل دارد: در فصل اول (ریشه‌های امپراتوری آمریکا)، نویسنده یک مرور خوب از آمریکای قبل و بعد از استعمار ارائه می‌دهد. او در مورد گسترش ایالات متحده به مرزهای کنونی خود، صحبت کرده و توضیح می‌دهد که چرا ما از توسعه فراتر از این مرزها و تقسیمات جغرافیایی - که او با برجسب "New England Tidewater و Frontier Cultures" مشخص می‌کند - خودداری می‌کنیم. در فصل دوم (مبارزه بر سر امپراتوری)، به جنگ داخلی، پیامدهای آن و سایر رویدادها در اوایل دهه ۱۹۰۰، می‌پردازد که

مشخصه‌ها و ویژگی‌های اساسی «امپراتوری جهانی» و «امپراتوری زمان» را - که در مورد صنعت سوخت‌های فسیلی است - شکل داده است. او همچنین در مورد نظریات سیاسی رایج آن دوره، بحث می‌کند که باعث ایجاد و توجیه ساختن یک امپراتوری شد. در فصل سوم از بخش اول، نویسنده وارد بیان تاریخ کوتاهی از ارتش و نظامی‌گری می‌شود؛ به ویژه آنچه به ظهور و سقوط امپراتوری بریتانیا مربوط است. او نقش نظریه ژئوپلیتیک در جنگ‌های جهانی و نحوه استقبال ایالات متحده از این نظریه را برای استقرار استراتژیک نیروهای نظامی در سراسر جهان توضیح می‌دهد. او معتقد است که پیگیری این نظریه، اکنون ایالات متحده را به نقطه عطفی در تاریخ خود رسانده است. قسمت دوم کتاب، دارای چهار فصل است: شکست سیاست، حل و فصل اقتصادی، چشم‌انداز شکست و پیامدهای فروپاشی.



امپراتوری آن می پردازد. همچنین یک خاتمه نیز در کتاب وجود دارد که این دو قسمت هم چالش برانگیز و هم برای خوانندگان آمریکایی آن، احتمالاً ناامیدکننده است. از نظر نویسنده، آمریکا با مشکلی بزرگ با پیامدهای بالقوه خطرناک،

مواجهه است که اکثر مردم، از آن بی اطلاع هستند. نظریه مرکزی کتاب او، این است که امپراتوری آمریکا، کاملاً به انرژی نسبتاً ارزان و فراوان ناشی از سوخت های فسیلی وابسته است و نمی تواند برتری خود را پس از گران و کمیاب شدن این سوخت ها حفظ کند. او پیشنهاد می کند که هنوز زمان زیادی برای جلوگیری از درد و رنج تاریخی معمولی - که امپراتوری ها متحمل می شوند -

آقای گریدر این فصل ها، نظریه ای را در مورد تکرار الگوهای سیاسی - که منجر به فروپاشی می شود - ارائه داده و احساس می کند که دولت ایالات متحده، در حال حاضر به این الگوهای تاریخی پایبند بوده و با بحران مشروعیت روبرو است. او گمان می کند که دولت آمریکا، ممکن است بدهی ملی خود را نادیده بگیرد یا حتی بدهی خود را محو کند. او درباره تکامل فناوری نظامی بحث نموده و اینکه چرا احساس می کند وابستگی ایالات متحده به «جنگ بنزینی»، می تواند پاشنه آشیل باشد. نویسنده فکر می کند که مسائل مربوط به بازدارندگی هسته ای، کشورهای مشتری و همکار ایالات متحده و مرز جنوبی آمریکا، به طور قابل توجهی تحت تأثیر کاهش قدرت جهانی ایالات متحده، قرار خواهد گرفت. قسمت سوم کتاب (جمهوری، اگر می توانید آن را حفظ کنید)، دارای ۳ فصل است که به آینده ایالات متحده پس از انحطاط

وجود دارد که اگر بتوانیم، باید از این درس های تاریخی عبرت بگیریم و از هم اکنون، شروع به تغییر منطقی رفتار ملی خود کنیم. او البته پیشنهادهایی مانند ریاضت اقتصادی، دولت کوچک، نوع خاصی از محلی سازی، اصلاحات سیستم آموزشی، کاهش جمعیت و غیره را نیز ارائه می دهد. کتاب زوال و سقوط، پایان امپراتوری و آینده دموکراسی در آمریکای قرن ۲۱

است. او نویسنده چندین کتاب شاخص و اخیراً کتاب بسیار پرفروش نیویورک تایمز، یعنی «ظهور داعش؛ تهدیدی که نمی توانیم آن را نادیده بگیریم» است. فرنچ فارغ التحصیل دانشکده حقوق هاروارد، رئیس قبلی بنیاد حقوق فردی در آموزش (FIRE) و مدرس سابق دانشکده حقوق کرنل است. با گذشت دودهم از قرن بیست و یکم، ایالات متحده کمتر از هر زمان دیگری در تاریخ این کشور، از دوره جنگ داخلی متحد است. آمریکایی ها بیش از هر زمان دیگری از نظریات اعتقادات و فرهنگ خود متنوع هستند؛ اما ایالت های قرمز و آبی، گروه های سکولار و مذهبی، ایدئالیست های لیبرال و محافظه کار و نمایندگان جمهوری خواه و دموکرات، همگی یک چیز مشترک دارند؛ هر کدام معتقدند که آزادی ها و فرهنگ های متمایزشان توسط مخالفت های خشونت آمیز فزاینده ای تهدید می شود. این قبیله گرایی قطبی شده که توسط

ذکر شده است؛ شواهدی که در سرایشی بودن امپراتوری آمریکا را بیان می کند.

دیمیتری اورلوف، نویسنده کتاب Reinventing Collapse and The Five Stages of Collapse: وقتی متوجه می شویم که از قله بلند پیشرفت بی پایان، در حال سقوط هستیم، اسطوره شناسی تمدن ما که زمینه ساز تخیلات ما است، واقعیت را به طور کامل دور زده و مستقیماً به ورطه ای عمیق در آخر الزمان می پردازد. گریز اما این طلسم را می شکنند و در عوض، دیدگاهی را در مورد آینده صنعتی به ما ارائه می دهد که هم با استدلال دقیق منطبق بوده و هم بر اساس معنویت است.

۲- ایده «شکاف ایدئولوژیک و از دیویدای فرنچ

دیوید ای. فرنچ، یکی از نویسندگان شاغل در نشنال ریویو، وکیل (با تمرکز بر قانون اساسی و قانون درگیری های مسلحانه) و یکی از کهنه سربازان جنگ عراق

The end؛ Decline and fall of empire and the future of democracy in 21st century

America

اثر جان مایکل گریز

Greer, John Michael

انتشارات: New Society

Publishers

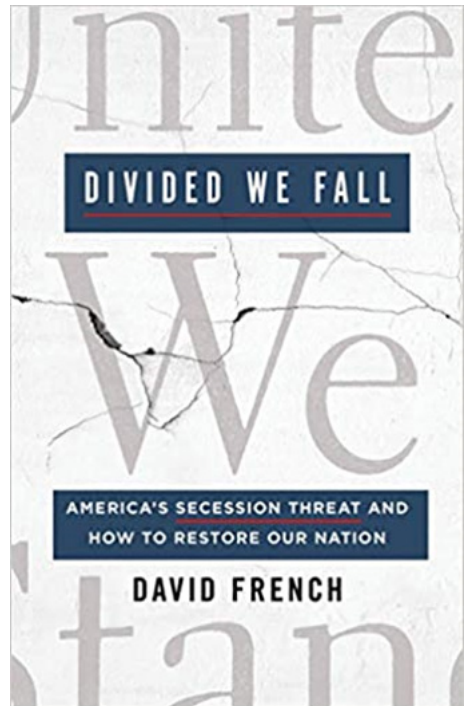
سال انتشار: ۲۰۱۴

نقل قول های مرورگرایانه بر کتاب گریز:

مجله UTNE: گریز با افشای افکار نادرست درباره امپراتوری و هزینه های کش دادن بیش از حد امپراتوری، نشان می دهد که چگونه ایالات متحده در جستجوی قدرت سیاسی و اقتصادی، خود را به گوشه ای کشانده و پیامدهای اجتناب ناپذیر فروپاشی امپراتوری را دنبال می کند.

مری وایلد فایر در Resilience.org:

در این کتاب، نقاط تأمل برانگیز فراوان است که واقعیت های در پی کاهش نفت و دیگر عناصری که آشکار شدن قریب الوقوع محدودیت ها را نشان می دهد،



و قابل قبولی را نشان می‌دهد که چگونه ایالات متحده، می‌تواند به مناطقی تقسیم شود که نه تنها کشور را تضعیف کند، بلکه جهان را بی‌ثبات‌تر نماید. همچنین، به صراحت می‌گوید: «هیچ نیروی مهم

فرهنگی، مذهبی، سیاسی یا اجتماعی وجود ندارد که آمریکایی‌ها را بیش از آنکه از هم جدا کند، به هم نزدیک نماید». دیوید فرنچ معتقد است که آینده بر روی سنگ، نوشته نشده است. با اجرای دیدگاه جیمز مدیسون از کثرت‌گرایی - که همه مردم حق دارند، جوامعی را به نمایندگی از ارزش‌های شخصی خود تشکیل دهند - آمریکایی‌ها می‌توانند از به دست گرفتن قدرت مطلق توسط جناح‌های

پرسروصداترین و خشمگین‌ترین افراط‌گرایان حاشیه‌ای در چپ و راست حمایت می‌شود، گفتگورا به عنوان یک مسکن و آرام‌کننده رد می‌کند. اگر این موقعیت کنترل نشود، به خوبی می‌تواند به جدایی و تجزیه منجر شود.

فرنچ، نگاهی بی‌وقفه به ابعاد و خطرهای واقعی این شکاف ایدئولوژیک در حال گسترش دارد و اینکه اگر قدم‌هایی در راستای پر کردن آن برداشته نشود، چه اتفاقی می‌افتد. او سناریوهای دل‌خراش

سرکوبگر، جلوگیری نمایند و در عوض، باورها و هویت همه را در تمام پنجاه ایالت حفظ کنند. از منظر فرنچ، تعهد به کثرت‌گرایی صرفاً امتیازی ناشی از مدارای ایدئولوژیک نیست، بلکه پیش‌نیازی برای جلوگیری از تجزیه جمهوری بزرگ و متنوعی است که آمریکایی‌ها تشکیل داده‌اند. فرنچ به آمریکایی‌ها توصیه می‌کند که برقراری مجدد وحدت ملی، مستلزم شجاعت است و باید خود را به پذیرش ویژگی‌های مهربانی، نجابت و لطف نسبت به کسانی کنند که از نظر ایدئولوژیک با آن‌ها مخالف‌اند، متعهد نمایند. او از همه می‌خواهد که تحمل و مدارای درست و واقعی‌شان را نشان دهند تا بتوانند، شکاف آمریکایی را التیام بخشند. او می‌گوید اگر می‌خواهیم که متحد بمانیم، باید یاد بگیریم تا دوباره کنار هم باشیم. فرنچ در عین حال، در نگاه به وظیفه حکومت آمریکا می‌گوید «نمی‌توانیم فرض کنیم که یک دموکراسی با اندازه یک قاره، چند

قومیتی و چند مذهبی، می‌تواند برای همیشه متحد بماند و اگر طبقه سیاسی ما، نتواند خود را با آمریکایی که به‌طور فزاینده‌ای متنوع و متفرق است، سازگار کند، متحد نخواهد ماند.» فرنچ از فدرالیسم برای پاسخ به این شکاف عمیق و کم کردن گرمای جنگ فرهنگی جاری نام می‌برد؛ اصلی مبتنی بر قانون اساسی که مدارا را از طریق خودمختاری و خودگردانی انجمنی ممکن می‌سازد. فرنچ برای نشان دادن پیامدهای خطرناک، آنچه در صورت عدم توجه به درخواست او ممکن است اتفاق بیفتد، یک جفت سناریوهای جدایی طلبانه باورپذیر و باورنکردنی در آینده نزدیک در ایالت‌های کالیفرنیا و تگزاس ارائه می‌کند. فرنچ ایده خود را در کتاب «جدا از هم شکست می‌خوریم: تهدید تجزیه آمریکا و چگونگی احیای ملت ما»، به تفصیل شرح داده است.

Divided We Fall: America's Secession Threat and How to Restore Our Nation
نویسنده: دیوید ای. فرنچ
David A. French
انتشارات: St. Martin's Publishing Group
سال انتشار: ۲۰۲۰
برخی نظرات مرورگرایانه:
«فرنچ در این بررسی دقیق از قطبی‌سازی سیاسی معاصر از نظریه توطئه‌گرایانه راست و چپ، ابراز تأسف می‌کند. این گزارش آگاهانه و اغلب پیش‌برنده او، پادزهری برای بیماری حزب‌گرایی سیاسی فراهم می‌کند.»
Publishers Weekly -
«[فرنچ] ما را به توافق و یکدستی فرانمی خواند، فقط مخالفت ادامه‌دار بدون تخریب خودمان را توصیه می‌کند.» - Carlos Lozada, Washington Post
«کتاب فرنچ از این جهت مهم است که چشمانش به واقعی‌ترین یا اساسی‌ترین مشکل پیش‌روی دموکراسی آمریکایی، دوخته

شده و به این دلیل که به خود اجازه نمی‌دهد در درگیری‌های سطحی تری - که به آن مشکل کمک می‌کنند - غرق شود یا حواسش پرت شود، پس سزاوار است که به‌طور گسترده در میان کسانی که کمک به آمریکا و دوری از بدترین آینده‌های ممکن را می‌خواهند، خواننده و بحث شود.» Damon Linker, The Week
۳- ایده «آبادگی آمریکایی‌ها برای عقب‌نشینی از ایده امپراتوری» از ویکتور بولمر توماس
ویکتور بولمر توماس، استاد بازنشسته در دانشگاه لندن، استاد افتخاری مؤسسه آمریکاس، کالج دانشگاهی لندن و دانشیار برنامه ایالات متحده و آمریکاس، چتم هاوس است که از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶، مدیر آنجا نیز بود. بولمر توماس نگاهی گسترده به تاریخ ایالات متحده به‌عنوان امپراتوری و نظراتی قاطع و برنده از این مسیر دارد، درحالی‌که این کشور از صحنه جهانی عقب‌نشینی می‌کند. او معتقد است با نگاه

Victor Bulmer-Thomas

EMPIRE IN
RETREAT

THE PAST,
PRESENT, AND
FUTURE OF THE
UNITED STATES



به لوئیزیانا، فلوریدا، تگزاس و جنوب غربی شروع می‌شود و سپس، با در اختیار گرفتن لیبیریا، کوبا، پورتوریکو، آلاسکا، هاوایی، فیلیپین و گوام ادامه می‌یابد. در پایان قرن نوزدهم،

امپراتوری

سرزمینی آمریکا که توسط شبکه رو به رشدی از پایگاه‌های نظامی و دریایی شکل گرفت و حمایت شد، به ایالات متحده، کنترل زمین‌ها و خطوط ارتباطی دریایی رداد که به سراسر آمریکای شمالی و آفریقا، کارائیب و اقیانوس آرام می‌رسید.

بولمر توماس ادامه می‌دهد، روش‌های ایالات متحده در اواخر قرن تغییر کرد اما اهداف

به گسترش ارضی آمریکا پس از استقلال، اعمال حاکمیت هژمونیک پس از جنگ جهانی دوم و عقب‌نشینی امپراتوری کنونی کشور، به این نتیجه می‌رسیم که ایالات متحده با ایده خود به عنوان یک امپراتوری، رابطه اضطراب‌آمیز و ناآرامی داشته است. بولمر توماس سه تعریف از امپراتوری ارائه می‌کند، سرزمینی، غیررسمی و نهادی که به توضیح گذشته کشور و پیش‌بینی آینده‌ای کمک می‌کند تا در آن، ایالات متحده از ایفای نقش امپراتوری خودداری کند. او با این استدلال که حرکت به سمت کاهش تسلط ژئوپلیتیکی، منعکس‌کننده آرزوهای بیشتر شهروندان ایالات متحده است، تأکید می‌کند که عقب‌نشینی امپراتوری، لزوماً به معنای زوال ملی نیست و ممکن است در نهایت، دولت-ملت را تقویت کند.

بخش اول از این سه‌گانه امپراتوری‌ها، «امپراتوری سرزمینی» با گسترش ایالات متحده

آن ثابت ماند. نویسنده در بخش دوم «امپراتوری نیمه جهانی»، چگونگی شکل‌گیری این موضوع را توضیح می‌دهد. آمریکایی‌ها فهمیدند که نمی‌توانند، مستقیماً بر کل سیاره حکومت کنند، بنابراین، نهادهایی ساختند که آن‌ها را قادر می‌ساخت تا این کار را به‌طور غیرمستقیم انجام دهند و این اداره جهانی غیرمستقیم از نیمکره غربی شروع شد. سیستم پان-آمریکایی که به سازمان کشورهای آمریکایی

(OAS) منتهی شد، نمونه اولیه موارد بعدی بود، از جامعه ملل و سازمان ملل (سازمان ملل) گرفته تا توافق های برتون وودز، معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای (NPT)، سازمان تجارت جهانی (WTO) و سایر توافق نامه های پس از جنگ جهانی دوم. این قراردادها و سازمان های بین المللی دیگر، هژمونی و برتری هسته ای ایالات متحده را تضمین می کردند و در عین حال، تضمین نمودند که منافع آمریکا در اولویت قرار گیرد و وزن بیشتری نسبت به دیگران به آن ها داده شود.

اتحاد جماهیر شوروی، جمهوری خلق چین (PRC) و متحدان و مشتریان آن ها، تحقق کامل جاه طلبی های ایالات متحده را در دوران پس از جنگ، خنثی کردند و بنابراین، امپراتوری آمریکا چیزی بیش از وضعیت تصاحب نیمه جهانی در دوران سرد را به دست نیاورد. ایالات متحده مؤسسات جدیدی از جمله دکترین مهار، طرح مارشال، سازمان پیمان

آتلانتیک شمالی (ناتو) و شبکه بزرگ تری از پایگاه های نظامی و دریایی را - که اکنون در سرتاسر جهان فعال هستند - برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی و دیگران ایجاد کرد که این امر، باعث شد آمریکایی ها از پایان جنگ سرد، سوء استفاده کنند و از دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، به یک امپراتوری واقعاً جهانی دست یابند؛ اما در عین حال، روند انحلال این امپراتوری نیز در همین دوره شروع شده بود.

در بخش سوم، «امپراتوری در عقب نشینی»، نویسنده نشان می دهد که چگونه این انحلال، همچنان رخ می دهد و در عین حال، نشان می دهد که به کجا منجر می شود. به گفته بولمر توماس، پروژه امپراتوری ایالات متحده به واسطه شرایط مساعد و اجماع منافع که شامل یک اقتصاد ملی قوی، بازیگران غیر حاکمیتی مانند شرکت های فراملی، مبلغان مسیحی، هالیوود، رادیو و

مطبوعات است؛ سازمان های غیردولتی مانند شورای روابط خارجی و بنیادهای کارنگی، راکفلر، فورد، هوور و مجموعه های گیتس، رهبری قاطع آمریکا در امور جهانی و حضور سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایالات متحده در مناطقی مانند اروپا، آمریکای لاتین، آسیای شرقی، خاورمیانه و آفریقای زیر صحرا پشتیبانی می شد.

بولمر توماس به داده های نظرسنجی و انتخاب رئیس جمهور دونالد ترامپ (از ۲۰۱۷ تا کنون)، استناد می کند تا نفوذ فزاینده ملی گرایی، ضد استثناء گرایی، ضد نظامی گری، ضد مداخله گرایی و ضد جهانی سازی را شناسایی کند و به این نتیجه برسد که «امپراتوری آمریکا، اکنون در حال عقب نشینی است و بیشتر این ها به نیروهای داخلی مربوط می شود». علاوه بر این، شرکت های فراملیتی تمایل به تعقیب منافع مغایر با پروژه امپراتوری را داشته اند و اقتصاد ایالات متحده از دهه ۱۹۷۰ به طور

پیوسته، رو به افول بوده است. آمریکایی‌ها به دلیل از دست دادن توانایی اثرگذاری در مناطقی مانند اروپای شرقی و کشورهای چین و سایر عوامل، از جمله شکل‌گیری موجی از دولت‌های چپ در آمریکای لاتین، شروع به از دست دادن رهبری قاطع خود در امور جهانی کرده است. سیاست داخلی ایالات متحده نیز همچنان ناکارآمد و در آشفتگی باقی می‌ماند که ممکن است، با از بین رفتن پروژه امپریالیستی در طول زمان بدتر شود. در برآورد بولمر توماس، امپراتوری آمریکا تا دهه ۲۰۳۰، به سایه‌ای از جایگاه سابق خود تبدیل خواهد شد و تا دهه ۲۰۸۰، دیگر وجود نخواهد داشت. ایالات متحده مانند بریتانیا تا آن زمان، صرفاً به یک دولت-ملت تبدیل خواهد شد. او به آمریکایی‌ها توصیه می‌کند که «آنچه را که اجتناب‌ناپذیر می‌شود، بپذیرند. سخت‌ترین بخش، کنار گذاشتن طرز فکر امپراتوری است که در طول نسل‌ها، به دست آمده

است. باین حال، همان‌طور که کشورهای دیگر نشان داده‌اند، می‌توان این کار را انجام داد و جوانان در ایالات متحده پیش‌تاز هستند».

توماس در کتاب «امپراتوری در حال انزوا (عقب‌نشینی): گذشته، حال و آینده ایالات متحده» ایده‌اش را با جزئیات فراوان طرح کرده است.

Empire in retreat: the past, present, and future of the United States

نویسنده: Victor Bulmer - Thomas

انتشارات: Yale University Press

سال انتشار: ۲۰۱۸

برخی نظرات مرورگرایانه در مورد این کتاب:

«رساله‌های گسترده و جامع در مورد امپریالیسم آمریکا. این کتاب، مطالعه قوی در چارچوب نظری قوی برای مفهوم امپراتوری آمریکا ارائه می‌دهد. این کتاب، مورد توجه دانشجویان، محققان و خوانندگان عمومی تاریخ

ایالات متحده، سیاست خارجی آن و روابط بین‌الملل خواهد بود.» - Publishers Weekly

امپراتوری در عقب‌نشینی اثر ویکتور بولمر-توماس، توضیح می‌دهد که آمریکا از زمان تأسیس خود، دارای جاه‌طلبی‌های امپریالیستی بوده و استدلال می‌کند که تمرکز آن در قرن بیستم از تصاحب قلمرو به نفوذ به کشورهای خارجی و تأثیرگذاری بر دولت‌های آن‌ها، برای حمایت از منافع استراتژیک و اقتصادی ایالات متحده تغییر کرده است.

Review of Books

برای انتقاد از ایالات متحده به "امپراتوری آمریکا" اشاره می‌کردند. نایل فرگوسن می‌گوید که این تعبیری معناست. او استدلال می‌کند که هم از نظر نظامی و هم از نظر اقتصادی، آمریکا چیزی کم از قدرتمندترین امپراتوری جهان بودن ندارد. درست مانند امپراتوری بریتانیا در یک قرن پیش، ایالات متحده آرزوی

جهانی کردن بازارهای آزاد، حاکمیت قانون و دولت نماینده را دارد. فرگوسن می‌گوید از نظر تئوری، این ایده، پروژه خوبی است. با این حال، اگر رژیم‌های سرکش و دولت‌های شکست خورده واقعاً بخواهند به سمت بهتر تغییر کنند، آمریکایی‌ها از تعهدات درازمدت نیروی انسانی و پولی اجتناب می‌کنند.

او استدلال می‌کند که امپراتوری مایک امپراتوری متأثر از اختلال کمبود توجه است که بازه‌های زمانی غیرواقعی‌تری را بر مداخلات خارجی خود (برای جلب توجه) تحمیل می‌کند. بدتر از آن، امپراتوری ما دائماً در حال انکار و عدم پذیرش است. ابرقدرتی که به سادگی از پذیرفتن مقیاس مسئولیت‌های جهانی خود امتناع می‌ورزد و پیامدهای منفی آن در داخل و خارج از کشور، همزمان احساس می‌شود. فرگوسن به شکل متقاعد کننده‌ای هشدار می‌دهد که این کوتاه نظری مژمن

در مورد مسئولیت‌های داخلی ما نیز صدق می‌کند و تطبیق می‌یابد.

از نظر فرگوسن - که خود از ایده امپراتوری بودن آمریکا ناراضی نیست ولی اقتضائات هشدارآمیز آن را نیز بیان می‌کند - امتناع آمریکا از به رسمیت شناختن واقعیت نقش امپراتوری خود در جهان، یکی از مواردی است که امپراتوری آن‌ها را بسیار متفاوت و کم اثرتر از آخرین امپراتوری بزرگ انگلیسی زبان می‌کند. مثلاً آمریکایی‌ها هیچ تردیدی در مورد فرستادن سربازان خود برای جنگ در کشورهای دور احساس نمی‌کنند، اما آن‌ها انتظار دارند که این جنگ‌ها کوتاه و لیست تلفات حتی کوتاه‌تر باشد.

علاوه بر این، در مقایسه با امپراتوری بریتانیا، ایالات متحده در ارسال تاجران، مدیران غیرنظامی و پول خود به همان کشورهای دور پس از پایان جنگ، ضعیف‌تر عمل می‌کند. به طور خلاصه، آمریکا ممکن است یک

"ابرقدرت" باشد - قدرتمندترین امپراتوری از نظر نظامی در طول تمام تاریخ - اما امپراتوری مسئولیت ناپذیر و انکارکننده است، یک تندیس غول پیکر با اختلال کمبود توجه که این، به طور بالقوه بسیار خطرناک است. نیل فرگوسن این ایده را در کتاب «تندیس عظیم الجثه؛ (Colossus) ظهور و سقوط امپراتوری آمریکا» بیان کرده است.

نظراتی مرورگرایانه بر این کتاب:

«در میان نوشته‌ها و تصمیمات به ظاهری پایان درباره «آمریکا به عنوان امپراتوری»، برجسته ترین صدای اخیر صدای نیل فرگوسن است. Paul Kennedy, New York Review of Books

«هر صفحه از کتاب Colossus، تحریک آمیز و عصبانی کننده است. Ernest May